

# پژوهش‌های قرآن و حدیث

Quranic Researches and Tradition  
Vol. 53, No. 2, Autumn & Winter 2020/2021  
DOI: 10.22059/jqst.2020.302712.669515

سال پنجاه و سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹  
صص ۴۴۱-۴۶۱ (مقاله پژوهشی)

## هویت‌های پنهان: بازخوانی سوره نجم با نظر به الهگان عربی

زهرا محققیان<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۳۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۸/۱۷)

### چکیده

از لات، عَزَى و منات در قرآن، یک‌بار در آیات سوره نجم یاد شده است: «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ / وَمَنْوَةَ الثَّالِثَةَ الْآخِرَىٰ» [النجم: ۲۰-۱۹]. از آنجا که این الهگان دارای کارکرد ثبوتی در نظام توحیدی قرآن نبوده‌اند عملاً زمینه‌ای برای تداوم و بسط نیافته‌اند. نوشتار حاضر با کاوش در دیرینه این الهگان و بازسازی کارکردهای کهن‌شان می‌کوشد بافت معنایی آیات قرآنی مرتبط با آن‌ها را تبیین کند. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است: ایزدبانوان (لات، عَزَى و منات)، در دوره‌های مختلف تاریخی چه کارکردهایی داشتند و هر یک از این‌ها در کاربردهای قرآنی تا چه حد بازتاب پیدا کرده‌اند. مطالعات درباره جنبه‌های نمادشناسی لات، عَزَى و منات نشان می‌دهد که این الهگان در فرهنگ عربی نه فقط به مثابه خدایگان رجا و امید که به عنوان الهگان خوف هم تقدیس می‌شدند. در مجموع می‌توان با تکیه بر مستندات تاریخی ادعا کرد که در ترکیب آیات سوره نجم، به این خصلت‌های دوگانه تلویحاً اشاره شده و تماماً به الله، خدای یکتای اسلام بازگردانده شده‌اند.

کلید واژه‌ها: الله، الهگان عربی، ستاره زهره، عَزَى، لات، منات، النجم.

۱. استادیار پژوهشکده مطالعات قرآنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛

Email: z.mohaghegh@gmail.com

از استاد بزرگوار، دکتر سعید عدالت‌نژاد، برای نکات خوبی که ذیل این مقاله به من گفتند، تقدیر ویژه می‌کنم.

## ۱. مقدمه

یادکرد اسامی الهگان عربی یعنی لات، عَزَى و منات در سورهٔ نجم امری منحصر به فرد است و در طی تاریخ توجه قرآن‌پژوهان از طیف‌های مختلف را به خود جلب کرده است. روند آگاهی‌افزایی تاریخ‌پژوهان در خصوص این الهگان براساس شواهد عینی و نیز منابع مکتوب پیشاسلامی این زمینه را به وجود می‌آورد که با تکیه بر تحلیل گفتمان و استفاده حداکثری از متن بتوان به بازخوانی آیات سورهٔ نجم پرداخت و خصائص و کارکردهای این الهگان را در این سوره شناسایی کرد. مهم‌ترین سوالات ما عبارتند از: آیا می‌توان سورهٔ نجم را براساس خصائص و کارکردهای این الهگان در میان اعراب پیش از اسلام بازخوانی و تفسیر کرد؟ در این صورت، از میان تمام صفات و کارکردهایی که از این الهگان در منابع پیشاقرآنی (شواهد عینی و آثار مکتوب) و منابع اسلامی دیده می‌شود، کدام یک در آیات سورهٔ نجم بازتاب یافته‌اند؟ نحوهٔ مواجههٔ قرآن با این خصائص و کارکردها چیست؟ برای پاسخ به پرسش‌های فوق، نخست کاربرد این الهگان در بافت آیات سورهٔ نجم بازخوانی اولیه می‌شود تا ارتباطات درون متنی آن استخراج گردد؛ سپس مروری بر باورهای فرهنگی اقوام مختلف سامی مخصوصاً اعراب خواهیم داشت و کارکردهای این خدایگان از حیث اهمیت آیینی و نمادین مورد بررسی قرار می‌دهیم. در انتها کوشش می‌شود با مطالعه‌ای نمادشناختی نحوهٔ انعکاس خصائص فرهنگی این الهگان در سورهٔ نجم بررسی گردد.

## ۲. پیشینه

در فضای آکادمیک به زبان‌های مختلف، کمتر مطالعه‌ای دربارهٔ انگاره‌های پیشاسلامی بازتاب‌یافته در قرآن را می‌توان پیدا کرد که در آن کوششی برای شناخت خصائص و کارکردهای الهگان عربی در قرآن کریم صورت گرفته باشد و یا نحوهٔ مواجههٔ قرآن با خصائص آن‌ها را بررسی کرده باشد. مطابق تحقیقات این نوشتار عمدهٔ آثار به کارکردهای این الهگان در منابع پیشاسلامی پرداخته‌اند و ویژگی‌های ایشان را در شواهد عینی و مکتوبات بر جای مانده از دوران باستان بررسی کرده‌اند. به عنوان نمونه، می‌توان به تحقیقات باستان‌شناسانی مانند: ویننت<sup>۱</sup> (۱۹۴۰م)، دریجورس<sup>۲</sup> (۱۹۷۶م)، تیکسیدر<sup>۳</sup> (۱۹۷۹م)، جان هیلی<sup>۴</sup> (۲۰۰۱م) و بسیاری دیگر اشاره کرد [نک: ۵۵؛ ۲۹؛ ۵۱؛ ۳۳].

1. Winnett.

2. Drijvers.

3. Teixidor.

4. John Healey.

محققان دیگری همانند: ولهاوزن<sup>۱</sup> (۱۸۹۷م)، نولدکه<sup>۲</sup> (۱۹۰۸م)، مونتگمری وات<sup>۳</sup> (۱۹۶۰م)، آلفرد ولش<sup>۴</sup> (۱۹۷۹م)، هاوتینگ<sup>۵</sup> (۱۹۹۹م) و پاتریشیا کرونه<sup>۶</sup> (۲۰۱۶م)، ضمن بررسی موقعیت تاریخی و فرهنگی اعراب در هنگام ظهور اسلام به موقعیت مذهبی و آیینی خدایان نیز پرداخته‌اند و به خصائص این الهگان در میان ایشان تا حدودی اشاره کرده‌اند [نک: ۵۴؛ ۴۵؛ ۴۱؛ ۵۳؛ ۳۲؛ ۲۸]؛ اما در هیچ‌یک از این مطالعات اثری از نحوه انعکاس این خصائص در قرآن مشاهده نمی‌شود و نویسندگان این آثار نسبت به بازتاب این ویژگی‌ها در قرآن بی‌توجه بوده‌اند.

به عنوان نمونه‌ای دیگر از کوشش‌های انجام شده در این زمینه می‌توان تحقیقات افرادی همانند: لیشتن اشتاتر<sup>۷</sup> (۱۹۷۵م)، ریچارد بل<sup>۸</sup> (۱۹۹۱م)، همیلتون گیب<sup>۹</sup> (۱۹۹۹م)، آنگلیکا نویورت (۲۰۰۷م)، نیکولای سینای<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۱م) را برشمرد که هرچند به تفسیر سوره نجم یا واکاوی ماجرای غرانیق در این سوره پرداخته‌اند [نک: ۳۶؛ ۲۷؛ ۳۴؛ ۴۴؛ ۴۸]؛ اما مانند دو دسته قبل، به بازنمایی خصائص این الهگان در قرآن اهمیتی نداشته‌اند. گویی این الهگان مستقل از دیگر اجزای این سوره هستند و یادکرد ایشان تنها تعریضی به دین مشرکان بوده است. من به‌طور خاص به تحقیق سینای اشاره می‌کنم که بر پایه مطالعات ریچارد بل و آنگلیکا نویورت سامان یافته است. او در این مقاله بعد از تاریخگذاری سوره نجم به توضیح مضامین اصلی این سوره می‌پردازد. فرض سینای در این پژوهش، اولاً؛ بازخوانی سوره براساس کتاب مقدس است و ثانیاً؛ تکامل تدریجی آن را تا اواخر دوره مکه، یعنی اندکی پیش از مهاجرت پیامبر به مدینه، مد نظر دارد؛ آن هم با توجه به آیات ۲۶ تا ۳۰ که از تأنیث ملائکه سخن می‌گویند. در حقیقت، سینای بر آن است که قرآن، با تقلیل وضعیت سه الهه به جایگاه فرشته، به ایجاد هویتی جدید برای این الهگان پرداخته است و در پی آن نوعی مصالحه و سازش با مشرکان را در نظر داشته است [نک: ۴۸، ص ۲۰]؛ قبل از او ریچارد بل هم به این نکته اشاره کرده بود [نک: ۲۷، صص ۳۱۷-۳۱۸]. اما من از چند جهت با نظرات ایشان مخالفم:

1. Wellhausen.
2. Nöldeke.
3. Montgomery Watt.
4. Alford T. Welch.
5. G.R Hawting.
6. Patricia Crone.
7. Lichtenstadter.
8. Richard Bell.
9. Hamilton Gibb.
10. Nicolai Sinai.

**اول؛** بازخوانی آیات و سور قرآنی بر مبنای کتاب مقدس لزوماً روشی متعین و همیشگی نیست. در این مقاله نشان خواهیم داد که آیات سوره نجم را می‌توان فارغ از کتاب مقدس و در محیطی کاملاً عربی فهم کرد. به بیانی دیگر، آیات ۴۲ تا ۵۶، که سینیای به عنوان خلاصه‌ای از محتوای اساسی سنت موسی و ابراهیم می‌داند، می‌تواند در اصل به کارکردهای این سه الهه مربوط باشد.

**دوم؛** برخلاف نظر سینیای، رابطه بین الهه‌های عرب و فرشتگان نوعی تنزل مقام یا ایجاد هویت جدید برای این الهگان توسط قرآن نیست، بلکه بر اساس شواهد مختلف باستان‌شناختی که محققانی مانند جرالد هاوتینگ (۱۹۹۹م) و پاتریشیا کرونه (۲۰۱۶م) ارائه کرده‌اند، می‌توان گفت که الهگان لات، عزی و منات، همگی در اصل فرشته بودند و به مثابه دختران خدا در میان آباء و اجداد مشرکان شناخته می‌شدند. بنابراین، قرآن در پی مصالحه با مشرکان نیست، بلکه هویت اصلی این الهگان را در این زمینه به مخاطبان اولیه خویش یادآور می‌شود و بدین ترتیب واقعیت فراموش شده آنان را آشکار می‌سازد. گفتنی است در مقاله‌ای دیگر کوشیده‌ام دیرینه، خاستگاه و کارکرد این الهگان را در آثار باستانی برجای مانده از دوران پیشاسلام و نیز پاره‌ای مکتوبات صدر اسلام همانند کتاب‌های سیره بررسی کنم [۱۸]؛ نیز در مقاله‌ای دیگر، به امکان بازسازی هویت این الهگان پرداخته و احتمالات موجود برای این بازسازی را بررسی کرده‌ام [۳۸]. در مقاله سومی چالش جنسیتی این الهگان را در سرتاسر قرآن به بحث گذاشته‌ام و جنسیت را امری ثانوی در جهت نفی ایشان دانسته‌ام. به بیانی دیگر، نفی این الهگان در قرآن در درجه اول ناشی از غیرت الله است که تاب هیچ شریک و همتایی را ندارد (لا اله الا الله)، نه نگاه جنسیتی؛ چنان‌که در کتاب مقدس (برای نمونه، خروج ۲۰: ۵ و ۳) بر این غیرت بارها تصریح شده است [۱۹]. مطالعه پیش رو را باید گامی در امتداد سه کوشش پیشین تلقی کرد. در این جا می‌کوشم مواجهه قرآن با جنسیت این الهگان و به‌طور خاص کارکردهای زنانه ایشان را بررسی کنم. سؤالات اصلی پژوهش چنین‌اند: با تمرکز بر آیات سوره نجم، **اولاً؛** یادکرد اسامی این الهگان چه ارتباطی با دیگر اجزای سوره دارد و جایگاه آن‌ها در این سوره چیست؟ **ثانیاً؛** آیا می‌توان خصائص بیشتری از این الهگان را در پرتو مطالعات باستان‌شناختی و زبان‌شناختی به‌دست آورد و در فهم آیات سوره نجم به‌کار گرفت؟ **ثالثاً؛** در این صورت، نحوه مواجهه قرآن با این خصائص و صفات چگونه است و مضامین مذکور چه پیام‌هایی را در بردارند؟

بنابراین نوشتار حاضر می‌کوشد خوانش و تفسیر نویی از سوره نجم ارائه دهد، خوانشی که ظرفیت‌های پنهان قرآن را برای مطالعه هویت الهه‌های عرب برجسته می‌کند. در سنت تفسیری مسلمانان و حتی غیرمسلمانان تاکنون کمتر به این امر توجه شده است، در حالیکه بدون آن شاید همه تلاش‌ها برای تفسیر سوره نجم و همچنین همه تلاش‌ها برای شناسایی هویت این الهه‌ها و حتی خود الله ناقص باشد.

### ۳. الهگان در بافت سوره نجم

دسته آیات سوره نجم که یادکرد این الهگان در اثنای آن گنجانده شده، به قرار زیر است:

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ (۱۹) وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ (۲۰) أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ (۲۱) تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ (۲۲) إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ (۲۳) أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّىٰ (۲۴) فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ (۲۵) وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ (۲۶) إِنْ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونُ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَىٰ (۲۷) وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (۲۸) فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۲۹) ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ (۳۰) وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ (۳۱) الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَىٰ (۳۲) أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ (۳۳) وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ (۳۴) أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهوَ يَرَىٰ (۳۵) أَمْ لَمْ يَنْبَأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ (۳۶) وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ (۳۷) أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۳۸) وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ (۳۹) وَ أَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَىٰ (۴۰) ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ (۴۱) وَ أَنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ (۴۲) وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَ أَبْكَىٰ (۴۳) وَ أَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَ أَحْيَا (۴۴) وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَىٰ (۴۵) مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ (۴۶) وَ أَنْ عَلَيْهِ النَّشْأَةُ الْأُخْرَىٰ (۴۷) وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَ أَقْنَىٰ (۴۸) وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ (۴۹) وَ أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ (۵۰) وَ تَمُودَ فَمَا أَبْقَىٰ (۵۱) وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلِ إِيْنَهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَ أَطْغَىٰ (۵۲) وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ (۵۳) فَعَشَّاهَا مَا عَشَّىٰ (۵۴) فَبِأَىِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ (۵۵) [النجم: ۱۹ - ۵۵].

### ۳. ۱. تمایز خدایان: الله و الهگان

سورهٔ نجم، به اتفاق رأی مفسران، سوره‌ای مکی است [۲۳، ج ۴، ص ۱۵۷]. تنها در برخی منابع [۱۰، ج ۴، ص ۴۱۶] آیهٔ ۳۲ استثنا شده است. لحن آیات آن انتقادی است و آشکارا درصدد نقد دیدگاه‌های رایج در عصر نزول است. به همین دلیل مضامین ستیز با مشرکان در آن زیاد دیده می‌شود. آیات ابتدایی تا انتهای آیهٔ ۱۸، همگی در پاسخ به اتهامات مشرکان به پیامبر، مبنی بر انحراف او و تأثیرپذیری‌اش از غیر الله هستند. آیهٔ ۱۲ به وضوح حکایت می‌کند که مخاطبان در آنچه پیامبر می‌بیند، با او جدال و مناقشه دارند. مناقشه دربارهٔ دیداری است که آیات ۱۱-۷ از آن سخن می‌گویند. اما آیات ۱۱ و ۱۲، پاسخ قرآن به این مناقشه است و صدق پیامبر در آنچه می‌بیند، تأیید شده است. نیز آیهٔ ۱۳ از دیدار دوباره پیامبر (با الله یا فرشته) سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که این دیدار، وقوعش پیش از دیدار مورد مناقشه بوده است. آیهٔ ۱۷ مجدداً تأکید می‌کند که چشمان پیامبر در آنچه دید، انحراف و اعوجاجی ندارد. آیهٔ ۱۸، مجدداً تأکید است بر عظمت و بزرگی آنچه پیامبر دید. هرچند در مورد متعلق دیداری که برای پیامبر رخ داد (خدا یا فرشته، و بعدها جبرئیل یا نورعظیم)، نظرات مختلفی گفته شده است [نک: ۸، ص ۱۳]؛ احتمال قوی‌تر آن است که آنچه رخ داد، خود الله و رؤیت او بوده باشد [نک: ۲۷، ج ۲، ص ۳۱۶؛ ۴۸، ص ۸].

محتوای آیات ۱۹ به بعد دربارهٔ الهگان عربی است. شروع مناقشه، جدال با مشرکان دربارهٔ لات، عزی و منات است. اگر در آیات قبل، مناقشه در دیداری بود که برای پیامبر رخ داده بود، اکنون در این آیات مشرکان هم در نگرستن و رؤیت خدایگان‌شان به مناقشه فراخوانده شده‌اند. در ادامه، هرچند مستقیماً به باورهای مشرکان تصریحی نمی‌شود، اما با تأمل در مضمون آیات ۲۱ و ۲۲ می‌توان دریافت که مشرکان دخترانی را به الله و پسرانی را به خود اختصاص می‌دادند. این انتساب، از نظر قرآن در مقام جدل، تقسیمی ناروا و ناعادلانه است. مضمون آیه ۲۳ حکایت می‌کند که لات، عزی و منات به مثابه خدایگان مشرکان نه تنها قابل رؤیت نیستند بلکه اساساً وجودی هم برای ایشان قابل تصور نیست. از نظر قرآن ایشان صرفاً نام‌هایی بی‌محتوا و اسامی بی‌مسما هستند که مشرکان و اجدادشان به عنوان معبود برای خود برگزیده‌اند. مطابق این آیات، انتخاب این خدایگان، نه مؤیدی از جانب الله دارد و نه دلیل و منطقی در پی آن است. در آیهٔ ۲۴ گفته شده که تمنا نسبت به این الهگان به ساخته‌های مشرکان پیرامون معبودانشان

باز می‌گردد که دنیا را میان این سه اله تقسیم کرده بودند؛ در حالی که نه تنها دنیا بلکه آخرت هم از آن الله است (آیه ۲۵). در مجموع ساختار این آیات و دیگر آیات سوره نجم به گونه ای است که گویی غرض از یاد کردن آن ملاقات ایجاد فضایی بهتر برای مقایسه الله و الهگان است.

### ۲.۳. اوصاف الهگان در سوره نجم

با تأمل در مضمون دیگر آیات سوره نجم که مرتبط با این خدایگان به نظر می‌رسند و تأکیدهایی که در آنها وجود دارد، می‌توان به‌طور تلویحی عقاید مشرکان درباره خدایگان‌شان را دریافت. نتایج یک خوانش گفتمان-محور از این آیات که متکی بر دانش عمومی در حوزه اساطیر و باورهای عرفی رایج از دیرینه‌ترین ازمینه تا عصر نزول قرآن است، در جدول زیر به ترتیب ارائه شده است:

جدول ۱. باورهای بازتاب یافته مشرکان در سوره نجم

آیه	مضمون
هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ (۳۲) وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى (۴۷)	تولد و خلقت
وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ (۴۲) وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا (۴۴)	مرگ و زندگی
وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى (۴۳)	سرنوشت
فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ (۲۵) وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ (۳۱) ثُمَّ يَجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ (۴۱) أَوَّاهٌ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ (۴۹)	حاکمیت و فرمانروایی
وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۴۵) مِنْ نُطْقَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ (۴۶)	رابطه جنسی
وَأَنَّهُ هُوَ أَعْنَىٰ وَأَقْنَىٰ (۴۸)	نعمت و برکت
وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ (۵۰) وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَىٰ (۵۱) وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْفَىٰ (۵۲) وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ (۵۳) فَغَشَّاهَا مَا عَشَّىٰ (۵۴)	جنگ و نبرد

هرچند این آیات الله، خدای یکتای اسلام، را منشأ این گونه امور معرفی می‌کنند، به لحاظ گفتمانی درصدد آنند تا باور کسانی را فرو شکنند که خاستگاه این خصائص را خدایانوانی مانند لات و عزی و منات می‌دانستند چرا که باورهای بازتاب یافته در این آیات کاملاً با جایگاه این الهگان در اسطوره‌ها و آیین‌های پیشاسلامی قابل مقایسه‌اند. برای تبیین این نتایج لازم است قدری آگاهی‌های خویش را درباره جایگاه این الهگان و کارکردهایشان در عربستان پیشاسلام افزایش دهیم.

#### ۴. الهگان عربی و دیرینه باستانی ایشان

مطابق آیه ۲۷ سوره نجم، مشرکان متهم شده‌اند که این الهگان را با فرشتگان مرتبط دانسته و نام‌های مؤنث ایشان مانند لات، عزی و منات را به فرشتگان منتسب می‌کردند. مطابق آنچه در منابع اسلامی آمده است، مشرکان، بت‌های لات، عزی و منات را تمثال یا نمادی برای فرشتگان تلقی می‌کردند و بدین ترتیب هم این الهگان و هم ملائکه را دختران الله می‌دانستند [برای نمونه نک: ۲، ج ۴، صص ۱۰۶۷-۱۰۶۸]. این در حالی است که در باورهای پیشاسلامی اعراب و نیز شواهد عینی و مکتوبات برجای مانده از این دوران، چه متون یهودی و مسیحی و چه دیگر متون کهن، هیچ نمونه‌ای از دختران خدا (یا الهگان) که معادل و مساوی فرشتگان باشند، یافت نمی‌شود. برای رفع این ابهام برخی پژوهشگران نشان داده‌اند کیفیت ارتباط این الهگان با فرشتگان و سپس تلقی ایشان به مثابه دختران الله، نه براساس یک انطباق تک مؤلفه‌ای بلکه براساس یک مدل ترکیبی شکل گرفته است و بازگشت به باورهای مسیهودانی دارد که فرشتگان را با ستارگان مرتبط یا همسان می‌دانستند. بدین ترتیب الهگان لات، عزی و منات، نزد عرب پیش از اسلام القاب و مظاهر مختلف از فرشته‌ای هستند که در قالب یک ستاره تجلی کرده و آن گروه از عرب به تقدیس این دختران مشغول بودند که به آیین پرستش ستاره مذکور گرایش داشته‌اند [نک: ۲۰].

اما برای پاسخ به این پرسش که این الهگان دقیقاً بر کدام ستاره منطبق هستند، مسیرهای گفتمانی مختلفی ارائه شده است؛ ولی آنچه شواهد بیشتری دارد ستاره زهره یا ونوس است [برای مطالعه در این زمینه و چرایی انتخاب ستاره زهره نک: همان].

ستاره زهره، حتی با چشم غیرمسلح، درخشان‌ترین ستاره بعد از خورشید است [۳۰، ص ۱۳۴]. واژه زهره نیز، در اصل کلمه‌ای عربی و مشتق از «زهر» و به معنای نورانی و درخشان است [۱، ج ۶، ص ۸۹]. درخشندگی فراوان این ستاره در آسمان چنین نامی را



برای او رقم زده و زمینهٔ پرستش آنرا در شماری از تمدن‌ها از جمله اقوام مختلف سامی مانند قوم عرب فراهم آورده بود [نک: ۵۰، ص ۲۸۲؛ ۴۵، ج ۱، ص ۶۶۰].

بازنمود زمینی زهره در سومر، الهه اینانا<sup>۱</sup> نام داشت که بعدها در تمدن بابل به ایشتار شهرت یافت [نک: ۱۷، ص ۲۹؛ ۳۸، ص ۶۷-۶۸]. زهره در میان سامیان غربی مخصوصاً فینقیه باستان (لبنان و سوریه کنونی) استارته<sup>۲</sup> یا استاروت<sup>۳</sup> و در اوگاریت با نام عشتارات<sup>۴</sup> و عتارت<sup>۵</sup> مشهور بود [نک: ۲۲، ج ۲، ص ۵۶۵؛ نیز نک: ۵۲، ج ۱۱، ص ۴۲۶؛ ۵۱، ص ۸]. در میان اعراب جنوبی نیز با نام عثر تقدیس می‌شد [نک: ۲۶، ص ۸۷]. این الهه کم‌کم مهمترین الهه در سراسر غرب آسیا گردید [۲۴، ص ۳۷] و به مثابه مادر خدایان<sup>۶</sup> و حتی مادر انسان‌ها<sup>۷</sup> شناخته شد [نک: ۵۰، ص ۵۷].

مهم‌ترین ویژگی یا کارکرد زهره-عثر (ایشتار)، که محصول اسطوره‌های مختلف سامیان است، جمع شدن دو ویژگی خوف و رجا در اوست. به بیانی دیگر، او هم الههٔ عشق بود و هم خدایانویی جنگجو [نک: ۳۹، ص ۶۱ و ۶۹؛ ۱۷، ص ۳۴-۳۵؛ ۳۵، ص ۳۴]. البته جنبهٔ اروتیک مفهوم عشق در برخی مناطق مانند بین‌النهرین باستان، یونان و روم برجسته‌تر بود و جنبهٔ باروری و زایش در دیگر مناطق و اقوام مانند سامیان غربی رواج بیشتری داشت. در مناطقی که زهره به مثابه الههٔ عشق و شهوت جنسی تقدیس می‌شد، پرستش او بر پایهٔ روا دانستن برخی منکرات و ارتکاب افعالی که از غلبهٔ عشق در طبیعت بشری حادث می‌شود؛ نهاده شده بود. این‌گونه عشقبازی‌های زهره در حقیقت نمادی از توجه انسان به تمایلات جنسی است. اما در مناطقی که او به مثابه الههٔ باروری پرستیده می‌شد، فرزندآوری نقشی مهم ایفا می‌کرد. در چنین مناطقی تقدیس الههٔ باروری، نمادی از توجه انسان به ازدیاد نسل و تکریم خانواده به شمار می‌آمد [برای مطالعهٔ بیشتر در این زمینه نک: ۲۱]. این تفکیک به اختصار در جدول زیر بیان شده است:

1. Inanna.
2. Astarte.
3. Astaroth.
4. \*štrt.
5. \*ttrt.
6. the mother of the gods.
7. the mother of men.

جدول ۲. صفات دو گانۀ زهره در اساطیر: خوف و رجا.

خصائص			
عشق و شهوت جنسی	بین النهرین، یونان و روم	الهه عشق	زهره
باروری و زایش	بین النهرین، سامیان غربی		
الهه جنگ	بین النهرین، عربستان جنوبی		

در مجموع و با توجه به توضیحات فوق می‌توان انتظار داشت که ستاره- فرشته- الهه زهره به دلیل ارتباط با الهگان عربی در پیکره‌های اسطوره‌ای ایشان نقشی کلیدی و محوری ایفا کرده باشد.

##### ۵. هویت و کارکرد الهگان در شواهد پیشااسلامی و منابع اسلامی

از آنجا که الهگان عربی در اصل صفات و القاب زهره- عتتر (ایشتر) به شمار می‌آیند، می‌توان انتظار داشت خصائصی مشابه خصائص زهره داشته باشند. اکنون برخی از مهم‌ترین این خصائص را مرور می‌کنیم:

##### ۵.۱. لات

هرچند برخی منابع، واژه لات را مشتق از لتت دانسته‌اند که از فعل لتّ، به معنای مخلوط کردن، آمیختن و سرشتن ساخته شده [نک: ۴، ج ۱، ص ۸۰]، دیدگاه مشهور این است که لات از الایلاها<sup>۱</sup> به معنای خدایان<sup>۲</sup> مشتق شده است. صورت ابتدایی واژه، در طی زمان، به الایلات<sup>۳</sup>، تبدیل و سرانجام به اللات<sup>۴</sup> منتهی شد. [۵۵، ص ۱۲۱]. مطابق کتیبه‌های برجای مانده از معبد شهر پالمیر، نام ایشتر-اللات، از اسامی رایج الهه لات در این منطقه به شمار می‌آمد. [نک: همان، ص ۱۱۸].

از سویی دیگر، برخی فرهنگ‌نامه‌های سامی، معانی و کارکردهای دیگری برای این

1. Al-ilahat.
2. The goddess.
3. Al-ilat.
4. Al-lat.

الهه گزارش کرده‌اند. به عنوان نمونه، در فرهنگ‌نامه مختصر شده واژگان آشوری و اکدی (شاخه شمالی حاشیه‌ای)، نام لات به صورت اللاتو<sup>۱</sup> یا ایلات<sup>۲</sup> آمده که همگی از ریشه اکدی التو<sup>۳</sup>، به معنای همسر مشتق شده‌اند. در این فرهنگ‌نامه، ایلات، مؤنث، در مقابل خدای مذکر ایل<sup>۴</sup> دانسته شده و به عنوان خدایبانوی محل توصیف گردیده است [۴۳، ج ۱، صص ۵۱-۵۲].

در شواهد باستان‌شناختی برجای‌مانده از منطقه نیز، این معانی برای الهه لات دیده می‌شوند. به عنوان نمونه، در کتیبه‌ها و الواح منطقه بصری<sup>۵</sup> و صالحد (شهری در جنوب سوریه فعلی)، نام لات به صورت «کدبانوی محل<sup>۶</sup>» و «مادر خدایان<sup>۷</sup>» حک شده است [۵۵، ص ۱۱۸].

منابع اسلامی نیز چنین خصائصی (مادر، باروری، کدبانو، محافظ و حامی) را برای الهه لات گزارش کرده‌اند. به عنوان نمونه، در قبيلة ثقیف، یکی از اسامی و القاب مشهور الهه لات، لقب «الربه» به معنای «خانم، کدبانو یا معشوقه<sup>۸</sup>» بود [۴۵، ج ۱، ص ۶۶۱]. برخی محققان بر این باور هستند که در دوره‌های متأخرتر، لات در طائف، نام دیگری برای استارته یا عشتورت (در میان یهودیان کنعان و فینیقیه) گردید و کارکردهای یک خدایبانوی مادر را پیدا کرد؛ به همین دلیل با لقب الربه خوانده می‌شد [۷۴-۷۵].

از سوی دیگر، بر اساس برخی دیگر از منابع متقدم اسلامی، الهه لات در میان اعراب صدراسلام، مانند الهه عزی، به مثابه الهه جنگ و قدرت شناخته می‌شد. به عنوان نمونه، در برخی کتاب‌های سیره از شعر ابوجعفر یاد شده که بعد از اتمام جنگ حنین، پیروزی اسلام را به مثابه پیروزی سربازان الله بر سربازان لات معرفی کرده است. [۲۵، ج ۳، ص ۹۱۲].

در مجموع با توجه به هر دو دسته مستندات فوق (پیشااسلامی و اسلامی)، می‌توان لات را علاوه بر خدایبانویی جنگنده، به مثابه الهه مادر و همسر نیز تلقی نمود و کارکردهایی مانند زایش و باروری را که مرتبط با سرشتن و آمیختن و معانی مشابهی از این نوع است، به مثابه کارکردهایی اختصاصی به او نسبت داد. گفتنی است خصلت جنگی

1. Allatu (Allatum).
2. Ilat.
3. Altu.
4. Il.
5. Bosra.
6. Salkhad.
7. The mistress of the place.
8. The mother of the gods.
9. Mistress.

لات مرجع نقدش عمدتاً به جنبه ایشتر در پیشینه بابلی زهره و نیز به جنبه عثر در منطقه عربستان جنوبی باز می‌گردد. مرجع عشق‌ورزی‌های لات نیز که عمدتاً متمرکز بر باروری و زایش است به جنبه استارته یا عشتارات در میان سامیان غربی بازگشت دارد.

## ۵.۲. عَزَى

کلمه عَزَى، اسم تفضیل و از ریشه «عزز» و به معنای عزیز و توانا است [نک: ۱، ج ۱، ص ۶۶]. عَزْوٌ، به معنای قدرتمند، لقبی رایج برای خدایان و خدایانوان بابلی بود. این صفت در طی زمان جایگزین اسم شد و نام العَزَى، به مثابه نامی کهن برای ستاره صبح در میان اعراب را شکل داد [نک: ۴۰، ص ۲۱۷]. بدین ترتیب، واژه العَزَى به معنای «زن عزیزه» یا «زن مقتدر و توانا» دانسته می‌شود [نک: ۱، ج ۱، ص ۶۶]. این ریشه و این معنا برای عَزَى، بی‌شبهت به خصائص یک جنگجو و رزمنده نیست و کارکرد عَزَى را به مثابه الهه جنگ تأیید می‌کند. دیگر مؤیدات این کارکرد در میان شواهد پیشاسلامی قابل پیگیری است. به عنوان نمونه، در کتیبه‌های اعراب جنوبی تعویذهایی دیده می‌شوند که از الهه عَزَى به منزله محافظ و حمایت کننده استعانت می‌طلبند. در سه مورد از این کتیبه‌ها از عَزَى به منزله خدای حافظ کاخ سلطنتی قتبان یاد شده است [۴۷، ج ۵، ص ۸۸].

یکی دیگر از آیین‌های مرتبط با عَزَى، آیین قربانی است. مطابق منابع مختلف، مردمان حیره<sup>۱</sup> در حدود قرن سوم و چهارم میلادی برای عَزَى قربانی انسان تقدیم می‌کردند. آن هم غالباً زنان اسیری که زیبا و جوان بودند [۴۹، ص ۳۶۲] یا دخترانی که باکره بودند [۱۲، ص ۱۰-۱۱]. این گونه قربانی‌های آیینی بی‌شبهت به قربانی‌های انسانی نیست که هم اعراب و هم دیگر سامیان برای ستاره زهره انجام می‌دادند [۵۰، ص ۲۸۲]. همچنین بی‌شبهت به آیین «روسپیان مقدس» نیست که در آن زنان باکره وقف معبد زهره (به مثابه الهه عشق و شهوت جنسی) می‌گردیدند.

علاوه بر شواهد پیشاسلامی، در منابع متقدم اسلامی نیز چنین خصلت‌هایی برای عَزَى (الهه جنگ و زیبایی) دیده می‌شود. مطابق گزارشات مسلمانان نخستین، ابوسفیان در جنگ احد پیکره‌های لات و عَزَى را حمل می‌کرد و می‌گفت: «الا لنا العَزَى و لا عَزَى لکم» و مسلمانان به او پاسخ می‌دادند: «الله مولانا و لا مولی لکم» [۲۵، ج ۱، ص ۲۹۷]. مطابق این روایت، الهه عَزَى در صدر اسلام خدایانویی بود که در جنگ‌ها شرکت

1. Hirah.

می‌کرد. همچنین مطابق آنچه کلبی به نقل از جندب هذلی یاد کرده، به نظر می‌رسد که الهه عَزَى به مثابه زنی زیبا دارای موهای بلند و مدهوش کننده در میان اعراب تصور می‌شده است [۱۶، ص ۱۹]، یا چنان‌که فهد با نظر اشعار جاهلی می‌نویسد، یکی از القاب عَزَى در میان اعراب صدر اسلام، باکره بود [۱۵، ص ۱۰۱].

در مجموع با توجه به هر دو دسته مستندات فوق می‌توان احتمال دانست که عَزَى در عصر نزول، در عین داشتن خصائص جنگی و رزمی، به مثابه زنی زیبا با گیسوانی بلند و جذاب نیز شناخته می‌شد. باکرگی او می‌تواند دلالت بر این معنا داشته باشد که او در عین جذابیت‌ها و دلربایی‌های ظاهری از پذیرش همسر خودداری می‌کرد. چنین توصیفات شباخت عَزَى را با ستاره زهره در خصائص جنگی و نیز عشق‌ورزی‌های جسمانی آشکار می‌کند. گفتنی است خصلت جنگی عَزَى، مرجع نقدش عمدتاً به جنبه ایشتار در پیشینه بابلی زهره و نیز به جنبه عتتر در منطقه عربستان جنوبی بازمی‌گردد. مرجع عشق‌ورزی‌های عَزَى نیز که عمدتاً متمرکز بر خصائص جنسی است به جنبه یونانی و رومی زهره یعنی الهگان آفرودیت و ونوس بازگشت دارد.

### ۵.۳. منات

دیرینه تقدیس الهه منات به زمان پیش از پادشاهی سارگون<sup>۱</sup> (۲۳۳۴-۲۲۷۹ قبل از میلاد) در منطقه بین‌النهرین باز می‌گردد که با نام منوتوم<sup>۲</sup> و به مثابه یکی از القاب الهه مادر سامیان یعنی ایشتار/ زهره در این ناحیه مشهور و معروف بود [۳۱، ج ۶، ص ۳۷۳]. درباره این الهه تقریباً غالب منابع اسلامی و غیراسلامی متفق‌اند که منات در میان اقوام مختلف سامی به عنوان خدایانوی سرنوشت و الهه‌ای که زندگی و مرگ آدمیان را تدبیر می‌کند، تقدیس می‌شد. این خصلت عمدتاً بر گرفته از معنای واژه منات است که از ریشه‌هایی همانند «منی» و «منو» به معنای تقدیر و اندازه‌گیری به‌دست می‌آید [۱، ج ۱۵، ص ۳۸۰].

از سویی دیگر، منات بیش از همه در میان دو قبیله مادرتبار اوس و خزرج مورد تکریم بود [۱۶، ص ۱۴]. علت این امر به دیرینه این اقوام بازگشت دارد که به زنی با نام قَیْلَةُ بنت کاهل (هالک) نسب می‌بردند. او بزرگ - مادر یا جدّه - این دو قبیله بود. با توجه به این معانی برای منات و این دیرینه برای دو قبیله اوس و خزرج می‌توان گفت

1. Sargon.

2. Menutum.

که خصلت مادرانگی برای منات عمدتاً متمرکز بر جنبهٔ حامیانه و حفاظتی مادر است؛ در این حالت، مادر نه مثابه مادر بیولوژیک بلکه به معنای مادر کل قبیله و اجتماع تلقی می‌شود که وظیفهٔ مدیریت و تمشیت امور را در قبیله برعهده دارد. در این جوامع، پدر نقش چندانی ندارد و مادر بدون داشتن هیچ همسری وظیفهٔ حمایت و حفاظت از اعضای قبیله را برعهده دارد [برای خصائص مادر تبار نک: ۹، صص ۱۳۷-۱۴۱]. در این معناست که تلقی منات به مثابه الههٔ سرنوشت، بزرگ مادر و کسی که آیندهٔ فرد و جمع را مقدر می‌کند، معنا می‌یابد.

علی‌رغم شهرت منات به الههٔ سرنوشت، مطابق سایر معانی ریشه‌ای کارکردهای دیگری نیز برای او ذکر شده است. به عنوان نمونه، منات به‌خاطر ریشه (منی = ریختن نطفه) که باروری و برکت را در خود نهفته دارد، به مثابه گونه‌ای خدایانوی کشاورزی نیز تلقی می‌شد. رواج نسبتاً زیاد نام‌های ترکیبی با منات مانند «زید منات» مؤیدی است برای اینکه او را خدای باروری، برکت و نعمت که در میان جوامع کشاورز رایج است، بدانیم [۴۲، ص ۷۸]. بدین ترتیب، منات علاوه بر اینکه خدایانوی مادر-سرنوشت یا زندگی و مرگ- بود، با رحمت، برکت و زندگی‌بخشی نیز ارتباط زیادی داشت. به نظر می‌رسد هر دوی این معانی با هم هم‌پوشانی دارند و دور از هم نیستند. به بیانی دیگر، خدایی که زندگی و برکات آن‌را صادر یا قبض می‌کند، به نوعی سرنوشت و حیات آدمی را در دست دارد. این امر بی‌شباهت به نقش خدایانوان مادر در جوامع مدرسالار و مادر تبار نیست. گفتنی است منابع متقدم اسلامی اطلاعات چندانی از کارکردها و خصائص منات گزارش نکرده‌اند؛ این در حالی است که مطابق آنچه در ادامه نشان خواهیم داد در آیات سورهٔ نجم ردّ پای این گونه خصائص منات قابل پیگیری است. همچنین اختصاص منات به مثابه الههٔ بخت و سرنوشت و یا مادری که نیک و بد آدمیان و اجتماع را مقدر می‌کند، مرجع نقدش عمدتاً به جنبهٔ ایزدبانو اینانا در پیشینهٔ سومری زهره باز می‌گردد. همچنین مرجع صفاتی مانند باورکنندهٔ جهان طبیعت و تلقی او مثابه الههٔ باران نیز به همین پیشینهٔ سومری بازگشت دارد.

## ۶. بازیابی هویت الهگان در سورهٔ نجم براساس یافته‌های فرهنگی

با مقایسهٔ آگاهی‌های فرهنگی به دست آمده با مفاد آیات قرآن، به این سؤال اکنون می‌توان پاسخ داد که آیا مردمان شبه جزیرهٔ عربستان در عصر نزول قرآن به لات، عزی

و منات، با همین منظر می‌نگریستند؟

پاسخ این سؤال، مثبت به نظر می‌رسد. با این توضیح که: اطلاعاتی که شواهد باستانی و دیگر منابع موجود دربارهٔ هویت این سه الههٔ عربی می‌دهند، در مجموع در چهار طیف قابل دسته‌بندی‌اند:

- طیف نخست؛ همان‌ها هستند که صرفاً از مالکیت این الهگان بر سرنوشت و مرگ انسان، آن هم به مثابه یک مادر حامی و حمایت‌گر خبر می‌دهند. پیام آن‌ها در این زمینه است که این الهگان مخصوصاً الههٔ منات، حاکم بر جریان‌های مختلف زندگی انسان و مدبر فراز و نشیب‌های آن تا زمان فرارسیدن مرگ هستند.
- در طیف دوم؛ این الهگان به مثابه یک کدبانو و همسر، منشأ حیات‌بخشی، برکت و افزایش‌دهندهٔ رزق و روزی انسان شمرده می‌شوند. مضمون‌هایی مانند باروری و تولد در این طیف قرار می‌گیرند. مهمترین بازنمود این طیف، الههٔ لات است.
- طیف سوم؛ این الهگان به مثابه یک معشوقه، بازتابانندهٔ برخی مؤلفه‌ها مانند عشق و شهوت جنسی هستند و روابط جنسی میان دو جنس نر و ماده را مدیریت می‌کنند. الههٔ عزی، به‌طور خاص در این زمینه مشهور است.
- طیف چهارم؛ این الهگان به مثابه زنی جنگنده و قدرتمند دارای قدرتی هستند که منتهی به هلاک انسان‌ها می‌شود. الههٔ عزی و الههٔ لات منشأ این قدرت‌دهی هستند. با تأمل در آیات سورهٔ نجم می‌توان دریافت که این خصائص چهارگانه که در سه الههٔ لات، عزی و منات دیده می‌شود، به طور تلویحی انعکاس یافته‌اند:

#### ۶-۱. مالک بر سرنوشت

برخی آیات سورهٔ نجم ظاهراً ناظر به یک باور پیشاسلامی است که این الهگان حاکم بر سرنوشت انسان و جهان و مالک آن‌ها تلقی می‌شدند. مضمون آیاتی مانند: حاکم بر امور زندگی آدمی و دهندهٔ شادی‌ها و غم‌های آن (آیهٔ ۴۳) حاکم بر زمان مرگ انسان‌ها (آیهٔ ۴۴)، جزاء دهندهٔ اعمال و تلاش‌های انسان‌ها (آیات ۳۱ و ۴۱-۴۰)، مالک و حاکم بر آسمان‌ها و زمین (آیهٔ ۳۱)، دانای به غیب و اخبار گذشته و آینده (آیات ۳۷-۳۵) و در نهایت پروردگار ستارهٔ شعری (آیهٔ ۴۹) که به عنوان یک خدایگان مورد توجه بود، همگی ذیل این دسته جای می‌گیرند.

همانطور که از مضامین فوق برمی‌آید، خصائص مذکور به‌خوبی با خصائص الههٔ منات

در میان مشرکان قابل مقایسه‌اند. مطابق آنچه گذشت، این خصلت عمدتاً به خصائص خدایانوان مادر در جوامع مادرتبار و مادرسالار مرتبط است و بدین ترتیب، مضامین مذکور صفات مادرانگی این الهه را تثبیت می‌سازند. در این صورت مضامینی مانند مأوی و مرجع بازگشت انسان‌ها در آیه ۴۲ می‌تواند به خاصیت مأوی بودن و ملجأ بودن مادر اشاره داشته باشد.

متکی بر شواهد فوق، آیات مذکور درصدد معرفی الهه، خدای یکتای اسلام، به عنوان مالک جهان و حاکم اصلی سرنوشت انسان‌هاست و به طرد باورهای کسانی می‌پردازند که این حاکمیت بر زندگی و مالکیت آن‌را در الهه‌ای مانند منات منحصر می‌دانستند.

### ۶-۲. باروری و برکت

دسته دوم آیات سوره نجم، به باروری، زایش و تولد، برکت، نعمت و رزق مرتبط‌اند مانند: خلقت اولیه از مام بزرگ یعنی زمین، سپس تکوین نطفه در رحم زن و در نهایت پیدایش جنین در شکم مادر و تولید مثل (آیه ۳۲)، غنا دهنده و رزق رساننده به انسان‌ها (آیه ۴۸)، زندگی بخشیدن و تولد مجدد آدمی در نشئه دیگر (آیه ۴۷). همچنین تقبیحی که در آیات ۳۳-۳۴ مشاهده می‌شود ظاهراً ناظر به صفات نعمت‌دهنده و رزق‌رسان هستند.

با توجه به این توضیحات به نظر می‌رسد خصائص مذکور عمدتاً صفات زنانگی این خدایانوان را که عمدتاً هم بر خصائص یک همسر و کدبانو قابل تطبیق است، آشکار می‌سازند، زیرا باروری و سپس بارداری، زایش و تولد از صفات زنی است که همسری نیز دارد و با باروری و زایش خانواده‌ای را شکل می‌دهد. همچنین او به مثابه یک مادر، رزق انسان را در بخشی از دوران زندگی (کودکی) تأمین می‌کند.

این‌گونه مضامین کاملاً با جایگاه الهه لات و خصائص زنانگی او یعنی ویژگی‌هایی مانند کدبانو، خدایانوی خانه و زن-باردار در اسطوره‌ها و آیین‌های اعراب پیشااسلام قابل مقایسه‌اند و بازنمود کارکردهای این الهه در میان مشرکان به نظر می‌رسند. این در حالی است که آیات مذکور این گروه از باورهای مشرکان را نیز فرو می‌شکنند و آشکار می‌سازند که الهه، خدای یکتای اسلام فاعل تمامی این امور و واجد این‌گونه خصائص مادرانه است.

### ۶-۳. عشق اروتیک و رابطه جنسی

دسته سوم آیات سوره نجم، (۴۵-۴۶)، در باب جفت شدن دو جنس نر و ماده و رابطه



جنسی و تناسلی است. مضمون این آیات به‌خوبی بر خصائص عشقی و شهوانی الهه عزی قابل تطبیق است و می‌تواند جایگاه اروتیک این الهه را در حمایت از نیروی جنسی و ارتباط میان دو جنس مستحکم سازند. اکنون در آیات مذکور الله منشأ پیدایش این زوجیت و فاعل این پیوند جنسی معرفی گردیده است. به بیانی دیگر، با وجود آنکه فاعل این پیوند جنسی و سپس عامل اساسی در پیدایش جنین و رشد و تغذیه انسان الله، خدای یکتای اسلام است اما آیات فوق در فضای گفتمانی عصر نزول درصدد آن‌اند تا با باورهای شرک‌آلود کسانی مقابله کنند که این نیروهای زنانگی را از آن خدایگانی جز الله می‌دانستند.

#### ۴-۶. جنگاوری

دسته چهارم آیات سوره نجم ناظر به این باور اسطوره‌ای است که این الهگان در کنار تمامی خصائص زنانه و شفقت‌های مادرانه، غضبناک و نابودکننده می‌توانند باشند. صفاتی مانند غضب بر قوم عاد، ثمود، نوح و مؤتفکات که در آیات ۵۰-۵۳ بیان گردیده و هلاک شدن ایشان را تداعی می‌سازد؛ همچنین مضمون «غشی» و فروپاشی نیز که در آیه ۵۴ آمده و معنایی منفی را القا می‌سازد، هلاکت دائمی این مخالفان را گوشزد می‌کند.

این خصیصه با جایگاه الهه عزی و الهه لات در باورهای اسطوره‌ای اعراب به مثابه الهگان قدرت و جنگاوری قابل مقایسه است. در این دسته نیز الله خدای یکتای اسلام، منشأ این‌گونه قدرت‌ها معرفی شده و باورهای جاهلانۀ مشرکان در این زمینه نیز مانند موارد قبل تماماً نفی گردیده است.

بدین ترتیب قرآن با سلب تمامی این صفات از الهگان عربی هویت ایشان را تماماً طرد می‌سازد و آنان را مضمحل، بی‌خاصیت و اساساً فاقد هرگونه قدرت قابل تصور معرفی می‌کند. از سویی دیگر، با انتساب تمامی این خصائص مادرانه و زنانه به الله جامعیت او را در این امر اثبات می‌کند.

#### ۵-۶. مالک عالم پس از مرگ

دسته پنجمی در آیات سوره نجم مشاهده می‌شود که گویی با الهگان مذکور مرتبط نیستند و تنها به الله اختصاص دارند. مضامین این آیات که از حکومت و مالکیت الله در عالم بعد از مرگ خبر می‌دهند، عبارتند از: پدیدآورنده عالم آخرت و احیا کننده انسان در آن (آیه ۴۴ و ۴۷)؛ حسابرس اعمال انسان‌ها (آیه ۳۸)، پاداش دهنده تلاش‌گران (۴۱-۳۹) و توبیخ‌گر

ظالمان (آیه ۳۱)، معرفی نهایت و غایت مقصد انسان (آیه ۴۲).

خصائص و صفات فوق پیرامون هیچ‌یک از الهگان عربی، چه در منابع پیشاسلامی و چه در منابع اسلامی ذکر نشده‌اند (هرچند در برخی مناطق در مورد ستاره زهره ذکر شده‌اند). حتی با نظر به آیه «إِنَّ الَّذِينَ لَأُيْمُنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى» [النجم: ۲۷] که مؤمنان به این الهگان را غافل از آخرت معرفی می‌کند، به نظر می‌رسد که مشرکان حیطة مالکیت خدایان را تنها منحصر به عالم دنیا (و نه آخرت) می‌دانستند و اعتقادی به آخرت و جهان بعد از مرگ نداشتند. بر همین اساس محتمل است که آیات مذکور به برشمردن سایر خصائص و صفات الله پرداخته‌اند تا مخاطبان متوجه سایر برتری‌های الله نیز گردند و سایر مزایای ارتباط با الله را که در الهگان یافت نمی‌شد، دریابند. بدین ترتیب، علاوه بر مضامین چهارگانه فوق که از رویکرد ایجابی الله به خصائص این الهگان خبر می‌دهند، دسته پنجم برخی صفات سلبی را برای این الهگان برمی‌شمارد که تنها به الله اختصاص دارد و الهگان مذکور فاقد آن هستند. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان هویت این الهگان را در سوره نجم، در نگاهی مختصر به شرح زیر ارائه نمود:

جدول ۳. بازبایی هویت الهگان در سوره نجم

آیه	مضمون
وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (۳۱) وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى (۴۳) وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا (۴۴) وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرِى (۴۹)	مالک دنیا و مقدرات آن
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤُا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى (۳۱) أَلَّا تَرَىٰ ذُرًّا وَمُرَّةً وَزُرًّا آخِرَى (۳۸) وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۳۹) وَأَن سَعِيهِ سَوْفَ يَرَى (۴۰) ثُمَّ يَجْزِيهِ الْجَزَاءَ الْاَوْفَى (۴۱) وَأَن إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَى (۴۲) وَأَن عَلَيْهِ النَّشْأَةُ الْاٰخِرَى (۴۷)	مالک عالم اموات و سرنوشت اخروی
هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ (۳۲) وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَى (۴۸)	باروری، تولد و برکت
وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثَى (۴۵) مِن نُّطْقَةٍ إِذْ تُمْنَى (۴۶)	رابطه جنسی (عشق اروتیک)
وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى (۵۰) وَ تَمُودَ فَمَا أَبْقَى (۵۱) وَ قَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلِ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ (۵۲) وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى (۵۳) فَغَشَّاهَا مَا عَشَى (۵۴)	جنگاوری

## نتیجه‌گیری

مطالعه در مورد بازیابی هویت الهگان عربی در قرآن نشان داد که خصائص چهارگانه (مالک بر سرنوشت، باروری و برکت، عشق اروتیک و رابطه جنسی، جنگاوری) که مطابق منابع پیشاسلامی و اسلامی، صراحتاً و تلویحاً، بر سه الهه لات، عزی و منات منطبق‌اند، به‌طور تلویحی در سوره نجم نیز انعکاس یافته‌اند، منتها با این تفاوت که آیات مذکور درصدد معرفی الله، خدای یکتای اسلام، به‌عنوان مالک اصلی این خصائص و صفات هستند و با باورهای کسانی مقابله می‌کنند که این خصائص و این صفات را در الهه‌هایی مانند لات، عزی و منات منحصر می‌دانستند. به بیانی دیگر، قرآن کریم کاملاً درک پیشاسلامی از این سه الهه را هدف انتقاد قرار داده است و تمام ویژگی‌های الوهی را که عرب پیش از اسلام برای لات، عزی و منات قائل بود را به الله، خدای یکتای اسلام باز می‌گرداند. بدین ترتیب، از نظر قرآن الله جامع تمامی صفات این الهگان است.

یکی از اهداف این تحقیق همچنین این بود که نشان دهد، آیات سوره نجم و حقایق مطرح شده در آن در اصل در گفتگو با بافت عربی هستند و در ارتباط با الهگان می‌بایست خوانده و تفسیر شوند. بدین ترتیب آیات این سوره، هرچند شباهت‌هایی با مضامین کتاب مقدس دارند (چنانچه سینای و سایرین می‌گویند)، اما این شباهت موضوعی ثانوی تلقی می‌شود.

## منابع

- [۱]. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱). تهذیب اللغة. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲]. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم. چاپ سوم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- [۳]. ابن حنبل، أحمد بن محمد (۱۴۲۱ / ۲۰۰۱). مسند الإمام أحمد بن حنبل. مؤسسة الرسالة.
- [۴]. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷). جمهرة اللغة. بیروت، دار العلم للملایین.
- [۵]. ابن شعبه الخراسانی، أبو عثمان (۱۴۱۷). التفسیر من سنن سعید بن منصور. الناشر، دارالصمیعی للنشر والتوزیع.
- [۶]. ابن قتیبة الدینوری، عبد الله بن مسلم (۱۹۹۲). المعارف. الطبعة الثانية، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- [۷]. بکری الأندلسی، عبد الله بن عبد العزيز (۱۹۹۲). المسالك و الممالک. دار الغرب الإسلامی.
- [۸]. پاکتچی، احمد (۱۳۹۴). «شعری در قرآن کریم». صحیفة مبین، شماره ۵۷، صص ۱۹۵-۱۵۷.
- [۹]. رید، ایولین (۱۳۹۰). مادرسالاری: زن در گستره تاریخ تکامل. مترجم: افشنگ مقصودی، چاپ دوم، تهران، گل آذین.

- [۱۰]. زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*. بیروت، دارالکتب العربی.
- [۱۱]. ژیران، ف و لاکوئه، ک و دلپورت، ل (۱۳۷۵). *اساطیر آشور و بابل*. مترجم: ابوالقاسم اسماعیلیپور، تهران، فکر روز.
- [۱۲]. شیخو الیسوعی، لويس (۱۹۸۹). *النصرانیة و آدابها بین عرب الجاهلیة*. بیروت، دارالمشرق.
- [۱۳]. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- [۱۴]. علی، جواد (۱۴۲۲ / ۲۰۰۱). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. دارالاساقی.
- [۱۵]. فهید، توفیق (۱۳۹۸). *خدایان شبه جزیره*. مترجم: محمدحسین مرعشی، تهران، نگاه معاصر.
- [۱۶]. کلبی، هشام بن محمد (۲۰۰۰). *الاصنام*. تحقیق: احمد زکی باشا، الطبعة الرابعة، القاهرة، دارالکتب المصریة.
- [۱۷]. گری، جان (۱۳۷۸). *شناخت اساطیر خاور نزدیک*. مترجم: باجلان فرخی، تهران، اساطیر.
- [۱۸]. محققیان، زهرا (۱۳۹۸ الف). «الهگان عربی در منابع پیشاسلامی؛ ماهیت، کارکرد و خاستگاه». *مجله پژوهشی تاریخ اسلام*، شماره ۴، پیاپی ۸۰، صص ۳۵-۶۸.
- [۱۹]. ----- (۱۳۹۸ ب). «بنات الله و چالش ارزشگذاری جنسیتی ایشان در قرآن کریم». *مجله پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث*، سال سیزدهم، شماره اول (پیاپی ۲۵)، صص ۵۱-۸۱.
- [۲۰]. ----- (۱۳۹۹ الف). «خاستگاه انگاره تأنیث ملاتکه و چالش‌های مرتبط». *مجله پژوهشی علوم قرآن و حدیث*، دانشگاه فردوسی مشهد، در نوبت چاپ.
- [۲۱]. ----- (۱۳۹۹ ب). «ستاره زهره در فرهنگ اسلامی»، در دست داوری.
- [۲۲]. مشکور، محمد جواد (۱۳۵۷). *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*. تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- [۲۳]. مقاتل بن سلیمان بلخی (۱۴۲۳). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت، دار إحياء التراث.
- [۲۴]. مک‌کال، هنریتا (۱۳۷۳). *اسطوره‌های بین‌النهرینی*. مترجم: عباس مخیر، تهران، مرکز.
- [۲۵]. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *المغازی*. تحقیق: مارسدن جونز، بیروت، دارالاعلمی.
- [۲۶]. همدانی، حسن ابن الحائک (۲۰۰۹/۱۴۳۰). *الجوهرتین العتیقتین فی الکیمیا*. تحقیق: احمد فواد پاشا، القاهرة، دارالکتب و وثائق القومیة.
- [27]. Bell, Richard (1991). *A Commentary on the Quran*, ed. C.Edmund Bosworth and M.E.J. Richardson, University of Manchester, 2 vols, (JSS Monograph 14).
- [28]. Crone. Patricia, (2016), *The Qurānic Pagans and Related Matters*. Leiden Brill.
- [29]. Drijvers, H.J.W. (1976), *The religion of Palmyra (Iconography of Religions Section 15: Mesopotamia and the Near East)*, Leiden: E.J. Brill.
- [30]. Dickinson, Terrence. (1998), *Night Watch: A Practical Guide to Viewing the Universe*. Buffalo, NY: Firefly Books.
- [31]. Fahd, T. (1991). "Manat", *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition, Leiden: E.J. Brill. V. 6. Pp. 374-373.
- [32]. Hawting, G.R. (1999). *The Idea of Idolatry and the Emergence of Islam: From Polemic to History*. Cambridge: University Press.

- [33]. Healey, John F.(2001). *The Religion of the Nabataeans: A Conspectus. Religions in the Graeco-Roman World*. Boston: Brill.
- [34]. Gibb, Hamilton A.R. (1999), "Pre-Islamic Monotheism in Arabia", in *The Arabs and Arabia on the Eve of Islam (The Formation of the Classical Islamic World 3)*, ed. F.E. Peters, Ashgate Publishing, Pp. 295- 306.
- [35]. Jordan, Michael. (2004). *Encyclopedia of Gods: Dictionary of Gods and Goddesses*, Second Edition, Kyle Cathie Limited, Printed in the United States of America.
- [36]. Lichtenstadter, Ilse. (1975), "A Note on the Gharaniq and Related Quranic Problems", *IOS*, No. 5. Pp. 54–61.
- [37]. Lurker. Manfred. (2005), *The Routledge Dictionary of Gods and Goddesses, Devils and Demons*. New York: Routledge.
- [38]. Mohagheghian, Zahra, (2020), "The Daughters of Allah: Sources and Methods for a Historical Reconstruction", *Journal of International Conference "The Qur'an in its Milieu of Origin. Possibilities of the Historical Reconstruction of the Qur'anic Revelation"*, Germany: Münster University, (forthcoming).
- [39]. Monaghan, Patricia, (2010), *Encyclopedia of Goddesses and Heroines; Africa, Eastern Mediterranean, Asia*. Library of Congress Cataloging.
- [40]. Montgomery, James A, (1913), *Aramaic incantation texts from Nippur*. Philadelphia: Univesity Museum.
- [41]. Montgomery Watt. w. (1960), *Muhammad at Mecca*. Oxford University Press and London: Clarendon Press.
- [42]. ----- . (1976), "Pre Islamic Arabian Religion". *Islamic Studies*. V.15.
- [43]. Muss- Arnolt. W. (1905), *A concise Dictionary of Assyrian Language*, Berlin.
- [44]. Neuwirth, Angelika. (2007), *Studien zur Komposition der mekkanischen Suren*, Berlin: De Gruyter.
- [45]. Nöldeke. Theodor, (1908), "Ancient Arabs". *Encyclopedia of Religion and Ethics*. V.1. Pp.659- 670.
- [46]. Randsalu, Donna, (1988), *Who were the daughters of Allah? A Thesis in B.A for the degree of Master of Arts*. University of British Columbia.
- [47]. Robin. Christian Julien. (2001), "south Arabia". *Encyclopaedia of Quran*, Brill. V5. Pp. 84- 93.
- [48]. Sinai, Nicolai, (2011), "An Interpretation of Sūrah al-Najm (Q. 53)", *Journal of Qur'anic Studies* 13.2, Pp. 1–28.
- [49]. Smith. William Robertson, (2017), *The Religion of the Semites*. London: Adam and Charles Black.
- [50]. ----- . (1894), *Lectures on the Religion of the Semites: The fundamental institutions*. London: ADAM AND CHARLES BLACK.
- [51]. Teixidor, Javier. (1979), *The Pantheon of Palmyra*. Leiden. E.J .Brill.
- [52]. *Theological Dictionary of the Old Testament*. "'strt and 'astoret". Ed. G. Johannes Botterweck, Heinz-Josef Fabry, Helmer Ringgren. USA. V.10. Pp. 423-434. 2001.
- [53]. Welch, Alford T. (1979), "Allah and Other Supernatural Beings: The Emergence of the Quranic Doctrine of tawhid", *Journal of the American Academy of Religion*, V. 47, Pp. 733–753.
- [54]. Wellhausen, Julius. (1897), *Reste arabischen Heidentums*, Berlin.
- [55]. Winnett, F.v. (1940), "The Daughters of Allah". *The Moslim World*. V. 30, Pp. 113- 130.

